



صالح سرداری

Sardari@web.de

گرفته اند، جنگ را شروع کنند، تمام لحظات این کابوس، برای ۱۵ میلیون انسان آن جغرافیا تبدیل دارند به واقعیت میشوند. اتباع خارجی، خبرنگاران و بازرسان سازمان ملل دارند عراق را ترک می کنند. اینها غیر عراقی ها را بیرون می برند، تا میدان

صفحه ۲

برای لحظه ای تصور کنید در عراق هستید

تلویزیون ها خیره می شدی تا بدانی چه ساعتی بوش این مدافع دمکراسی نظم نوینی اش و "حقوق بشر" دستور کشتارت را صادر می کرد، چه حالی داشتید؟ اگر با چشم خود می دیدید که خبرنگاران، بازرسان سازمان ملل و اتباع خارجی عراق را دارند از آنجا خارج می کنند، چه احساسی داشتید؟ چقدر را تنها احساس می کردید؟ چقدر از قوانین بربریت حاکم بر این دنیا نفرت پیدا می کردید؟ آیا به این سیستم و نظام و قانون تف نمی کردید؟ از دیروز که بوش و بر تصمیم

در هر کجای دنیا هستید برای چند دقیقه ای فرض کنید در عراق زندگی می کنید. فرزندان دور تو حلقه زده نگرانی، وحشت و ترس از بمب و توپ و تانک و موشک کروز و هواپیما در چهره آنها موج می زند. مرتب فکر می کردید. نمی دانستید خود و چند نفر از بچه ها و بستگان در روزهای آینده زنده می مانید یا نه. برای مصون ماندن از حملات موشکی و بمباران چه اقداماتی انجام می دادید؟ کابوس از بین رفتن جگرگوشگان چقدر آزارت می داد؟ وقتی به رادیوها و

لحظات شارلاتانیسم بوش و بلر

ایرج فرزاد

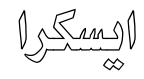
روز یکشنبه بوش بعد از مشورت با روسای انگلیس و پرتغال و اسپانیا، در یک نطق تلویزیونی اعلام کرد که شورای امنیت فقط ۲۴ ساعت دیگر وقت دارد تا ببیند آیا "دیپلوماسی" در رابطه با آغاز جنگ علیه عراق موثر خواهد شد یا خیر. آقای بوش ساعات پیش رو را "لحظات حقیقت" نام نهاد!! همین ایشان از بس به مقام ژاندارمی آمریکا اعتقاد دارد که فراموش کرد حتی تشریفات معمول را در باره جایگاه سازمان ملل رعایت کند. او اضافه کرد که ارائه مجدد مساله به سازمان ملل بی فایده است، و همزمان به بازرسان سازمان ملل مامور در عراق دستور داد: هرچه زودتر خاک عراق را ترک کنید!! او با اشاره به حضور بیش از ۲۵۰ هزار نفر از نیروهای نظامی آمریکا در منطقه گفت فقط با زور حرف را باید پیش برد. جالب این بود وقتی یک خبرنگار از نخست وزیر اسپانیا پرسید بعد از اقدامات دیپلماتیک حرکت بعدی چه خواهد بود، بوش بجای او پاسخ داد و به همان اولتیماتوم و اعلام آماده باش جنگی اشاره کرد! از دمکراسی نظم نوینی انتظار دیگری نمیرود.

اما این جنگ و دندان نشان دادن، نه هدف استقرار "دمکراسی" را دارد و نه قرار است برخلاف خواب و خیالات ارتجاعی "معارضین عراقی"، که موجودات چکمه لیزی چون جلال طالبانی و

صفحه ۲



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت



سردبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: 00448701687574

رادیو انترناسیونال هر شب ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه بوقت تهران

۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز

تلفن: ۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو: ۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای پنجشنبه نیم ساعت به زبان کردی



رحمان حسین زاده

واژگون شدن تانکر حامل مواد شیمیایی و نشت مواد خطرناک آن در آب سد قشلاق، واقعه ای به شدت نگران کننده است. در

به مردم مبارز سنندج : نباید اجازه داد جمهوری اسلامی با زندگی و حیات مردم بازی کند

بیم و نگرانیهای عمیق شما شریک هستیم. شما مردم آگاه به درست جمهوری اسلامی را مسبب این واقعه و عواقب خطرناک آن میدانید. برکسی پوشیده نیست که جمهوری اسلامی و سیاست و عملکرد آن ضدیت با زندگی و

قرار نبود کسی از ماجرا سر در بیاورد از روزنامه های ایران در باره واژگون شدن یک تانکر بی حفاظ حامل مواد شیمیایی خطرناک در منبع آب آشامیدنی مردم سنندج و حومه
صفحه ۲

از میان اطلاعیه های کمیته کردستان حزب در مورد فاجعه آلوده شدن آب آشامیدنی مردم
صفحه ۳

حیات مردم است. این رویداد یکی دیگر از موارد برجسته عملکرد این رژیم است. پرده پوشی یک هفته ای این واقعه و عدم اطلاع رسانی، اگر از یک طرف نشانه قائل

صفحه ۳

جنگ آمریکا علیه عراق، پیامدهای آن و مساله کرد
مجید حسینی
صفحه ۴

در این مملکت یک مشت جانور اسلامی حکم میراندند

قرار نبود کسی از ماجرا سر در بیارد!

روزنامه های جمهوری اسلامی و فاجعه

آلودگی آب آشامیدنی مردم سنندج

بحران آلودگی در آب شرب سه میلیون ایرانی



قرار نبود کسی از ته و توی ماجرا سر در بیاورد، قرار بود مثل يك نانکر معمولی جاده را پشت سر بگذارد، هیچکدام از انومبیل‌هایی که آن روز شوم از نانکر موصوف سبقت گرفتند نمی‌دانستند از کنار چه فاجعه بزرگی عبور کردند، 50 هزار لیتر ام.تی.بی.آی (ماده جایگزین سرب بنزین) دریاچه سد سنندج را آلوده کرد، حالا ممکن است روابط عمومی‌های مربوطه دست به کار شوند و جوابیه بفرستند که 50 هزار لیتر نبوده و مثلاً 49 هزار لیتر بوده و... الخ! مهم این است که کارشناسان به صراحت گفته‌اند که حتی يك لیوان از این مایع سمی می‌تواند تمام دریاچه را آلوده کند، باور کنید قصد بزرگ‌نمایی این حادثه را نداریم، اما تا کی باید چوب ندانم‌کاری این و آن را بخوریم؟ چرا به آسانی اجازه می‌دهیم با جان مردم بازی شود؟ حرکت شتابان نانکری با این محموله خطرناک، آن هم بدون اسکورت پلیس و کنترل امنیت کامل جاده چه معنایی دارد؟ اصلاً نانکر غیراستاندارد يك جداره چه تناسبی با محموله یاد شده دارد؟ به هر حال اتفاق افتاده است و باید به فکر چاره بود، 3 میلیون هموطن پشتت در معرض خطر آلودگی آب مصرفی خود هستند، هیات عالی‌رتبه‌یی به ریاست وزیر نیرو و با دستور مستقیم رییس جمهور به سنندج اعزام شده است تا راه‌حلی برای این معضل حد پیدا کند، باید صبر کرد و منتظر نتیجه ماند، خدا کند مقصر اصلی آقای راننده نباشد! هر چقدر پنهان‌کاری کرده‌ایم بس است، این بار مردم را محرم بدانیم و با اطلاع‌رسانی سریع و دقیق فاجعه انسانی را در نطفه خفه کنیم، کارشناسان اعتقاد دارند که ام.تی.بی.آی که دریاچه را فرا گرفته علاوه بر تأثیر مستقیم در درازمدت اختلالات ژنتیکی و جسمی فراوانی را پدید می‌آورد، شاید تخلیه 220 میلیون مترمکعب آب دریاچه کار بسیار مشکلی باشد اما یادمان باشد جلوی ضرر را از هر کجا بگیریم، منفعت است و اما يك نکته مهم دیگر! ام.تی.بی.آی در همه جای جهان غیرقابل مصرف اعلام شده اما هنوز در ایران استفاده می‌شود، از طرفی دیگر نانکر حمل محموله هم از استاندارد لازم بهره‌مند نبوده، بالاخره جاده‌هایی ما هم ایمنی لازم را ندارند و حفاظ سد سنندج هم چندان شباهتی به حفاظ ندارد، بنابراین یادمان باشد اگر آقای راننده را مقصر شناختند برایش دل بسوزانیم!

باخت ادامه می‌دهند. نجیروان بارزانی و جلا طالبانی، در همین لحظات شارلاتان بازی بوش برای ابراز چندین باره مراتب نوکر منشی خود عازم آنکارا میشوند.

اما جهان مدتهاست که دیگر از آن دوران توخس تبلیغات جهان یک قطبی خارج شده است، مدتهاست که جهان متمدن آثار زمین لرزه فروپاشی دیوار برلین و طلوع خونین نظم بوش را پشت سر گذاشته است. جنگ بوش و بلر علیه مردم عراق و مردم منطقه را باید متوقف کرد، جهان متمدن در برهه ای دیگر از تاریخ، کنترها و حکومت جوتها و دوران بمبهای ناپالم را در خیابانهای شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا و استرالیا به مصاف می‌طلبد. جهان کارگران، زنان و جوانان و میلیونها انسان برابری طلب، جهان ضد میلیتاریسم امپریالیستی، این جنبش عظیم ضد جنگ، باید زمین را زیر پای بوش و بلر و میلیتاریسم آنها داغ کند. باید نشان داد که جهان دیگری غیر از جهان ژاندارمها و قره نوکرهای حقیر آنان دارد از حق حیات و شرافت انسانی بشریت دفاع میکند.

◀◀ برای لحظه ای تصور کنید در عراق هستید

وسیع تری برای کشتار مردم بی‌دفاع عراق را فراهم کنند. انگار خون ۱۵ میلیون انسان در آن جغرافیا رنگ دیگری دارد. انگار این ۱۵ میلیون مستحق اند کشتار شوند، خانه و کاشانه را بر سر شان خراب کنند. دسترنج چند دهه رنج و جان‌کندشان را از بین ببرند و تمام بنیان‌های اقتصادی و شهری آن جامعه را با خاک یکسان نمایند. قرار است روزهای آینده کودکان، پیران، زنان و مردانی طعمه کشته‌ترین سلاح‌ها قرار گیرند، که هیچ دخالتی در این جنگ ندارند. قرار است ششولول بندهای جانی و سنگدل برای تحمیل خود به رقبای اروپایی و آسیایی خود، برای تسلط هرچه بیشتر بر دنیا، از زمین و دریا و هوا مردم بی‌دفاعی را تکه و پاره کنند که خود از دلایل این ماجرا خبر ندارند.

اکنون مردم عراق در انتظار دستور قلدرا و سازمان دهندگان نظم خونین نوین شب را به روز می‌رسانند. هر آن ممکن است صدای شلیک موشک و بمب آنها را بیدار کند. راستی بشریت در چنین دوره‌هایی چه کاری باید انجام دهد تا در برابر یک مشت

احمد چلبی را زیر چتر خود گرد آورده است، آرامش و امنیت را بجای دیکتاتوری صدام و بعث برای مردم ارمغان آورد. مردم عراق و مردم کردستان عراق این مجموعه دلان خون و آوارگی و زندگی اردوگاهی را با زجر و شکنجه و خون جگر تجربه کرده اند. تنها نقطه امید این مردم، جهان متمدن و جنبش میلیونی ضد جنگ است.

جبهه جنگ و میلیتاریسم افسار گسیخته شکننده تر و منزوی تر از هر زمان دیگر، منتظر هیچ پروسه مشروعیت حقوقی و بین‌المللی هم برای تصمیماتی که زندگی بشر را به بازی گرفته است، نمی‌شود. در انگلستان رئیس مجلس نمایندگان و عضو کابینه بلر، کوک، استعفا داده است و چند وزیر دیگر تهدید کرده اند که در صورت دست زدن به جنگ، از او پیروی خواهند کرد و فرانسه از امکان استفاده از وتو در شورای امنیت سخن گفته است. اما آقای بوش کماکان بر لحظات شارلاتانیسم و ششولول بندی خود اصرار دارد. اتحادیه‌های کارگری ایتالیا همراه

با احزاب چپ، به یک اعتراض ۷۰۰ هزار نفری دست زدند و بشریت ضد میلیتاریسم در چهارگوشه جهان دارد خود را برای تقابل با این قلدری آشکار آماده میکند. باید توانست از جنگ بوش و بلر جلوگیری کرد، در منطقه تنها و تنها مشت‌ی قره نوکر احزاب ناسیونالیست‌عشیره ای کرد و همیشه چکمه لیس دیکتاتورها از این دندان قروچه علیه مدنیت جهان و بازپچه قرار دادن زندگی مردم با بمب و موشک به حمایت برخاسته اند. تنها اینها بودند که در برابر صف دهها میلیونی مردم جهان با جامانه قرمز در یک شهرسوخت و یک شهر کانادا از پیش در شادی به خون کشیدن و آواره و دربر کردن مردم منطقه، رژه رفتند. این لحظات فراموش نشدنی اند، ناسیونالیست‌های کرد و قوم پرستان جان گرفته با نقشه‌های سیا و پنتاگون دارند بار دیگر در تحمیل یک تراژدی به مراتب سهمگین تر از جنگ خلیج در سال ۹۱، نقش بازی میکنند و وظیفه مقدس ناسیونالیسم‌عشایری خود در به خاک سیاه نشانیدن مردم کردستان را انجام می‌دهند. آن پشته‌ها، کماکان و به روال همیشگی دارند بر بستر مصائب مردم کردستان، دید و بازدید میکنند و به ساخت و

بر نظام سرمایه داری قانون جنگل و بربریت است. این طبیعت این سیستم است. این نظام‌ها بوش و برلهایی تربیت می‌کند و می‌سازد که حاضرند بخاطر حفظ سلطه و قدرت طبقه خود، انسان‌های بی‌شماری را کشتار نمایند و تردیدی نیز به دل راه ندهند. اگر جنگ علیه عراق هم تمام شود، فردا مردم را در جغرافیایی دیگر و تحت بهانه ای دیگر سلاخی می‌کنند. این نظام‌ها بر پایه این جنگ و کشتارها پایدار مانده اند. تا قوانین سود و زور حکم برانند وضعیت مردم جهان بهتر از این نخواهد بود. انسان‌های امروز به سیستم و نظامی دیگر احتیاج دارند. نظامی که در آن سود و مالکیت خصوصی وجود نداشته باشد. دنیایی که در آن انسان‌ها مجبور نباشند شکم همدیگر را پاره کنند. وضعیت اسفناک امروز یکبار دیگر نشان می‌دهد که جهان به یک انقلاب کارگری کمونیستی محتاج است. باید در میان این هیاهو و تبلیغات زهرآکین و ریاکارانه بورژوازی این را با صدای رسا اعلام کرد و برای رسیدن به آن به تلاشی بی‌وقفه دست زد □

۲۶ اسفند ۱۳۸۱

۱۷ مارس ۲۰۰۳

ژاندارمهای نظم نوین گوششان بدهکار نیست. این زورآزمایی میان مردم صلح طلب و میلیتاریسم راست‌ترین محافل امپریالیستی هنوز در جریان است. تصمیم به شروع جنگ نباید مردم معترض را ناامید کند. این جنبش باید در میدان باشد. عدم حضور مردم اینها را جری تر خواهد کرد و میدان را برای هرچه به عقب بردن دنیا باز خواهند دید. اما با تمام اینها بشریت امروز باید متوجه شده باشد که قدرت‌های بزرگ با گرسنه نگه داشتن اکثریت انسان‌های روی این کره خاکی جهنمی ساخته اند، تا خود هر چه بیشتر بتوانند سود به جیب زنند، تاخت و تاز کنند، جنگ راه بیندازند، انبارهای تسلیحاتی‌شان را به فروش برسانند. رسانه‌ها و میدیای دست راستی را اجیر کرده اند تا همه این جنایات را توجیه کنند. انسان‌ها را به بهانه‌های غیر واقعی و من‌درآوردی به گروه‌های مختلف تقسیم کرده، کینه‌های قومی و مذهبی را باد زده و آنها را به جان هم می‌اندازند تا با آسودگی بر جهان حکم رانند. تجربه زندگی صد سال اخیر نشان داده است قوانین حاکم

جنایتکار جنگی، بی‌اراده و بلا تکلیف ظاهر نشود؟ چرا اعتراض میلیون‌ها انسان به این قلدرمنشی بوش و بلر و نوکر جدیدشان خوزه، نباید بتواند بر آنان افسار بزند؟ چرا در حالیکه اکثریت مردم آمریکا و انگلیس و اسپانیا و حتی نمایندگان پارلمان‌ها و متحدین دیروزی‌شان، که هر یک به دلایلی با این جنگ مخالف هستند، اینها کک‌شان هم نمی‌گردد؟ اینها این بار حتی شورای امنیتی را که بارها در زیر سایه و نام آن جنگ‌ها و جنایات خود را توجیه کرده‌اند به بازی نگرفتند. آیا این زیر پا نهادن همان "دمکراسی" عزیز خودشان نیست؟ آیا این به اندازه کافی نشان دهنده بی‌دخالتی مردم در نظام‌های پارلمانی بورژوازی نیست؟ آیا این عمق گنبدیگی چنین سیستم‌هایی را نشان نمی‌دهد؟ چه عواملی باعث شده که اینها اعتراضات مردم دنیا را نادیده بگیرند؟ علیرغم اینکه میلیون‌ها نفر در ۱۵ فوریه گذشته علیه این جنگ به خیابانها آمدند، و موج جدیدی از اعتراضات وسیع در پیش است، اما این

اطلاعیه شماره ۳ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
ابعاد خطرناک نشت مواد شیمیایی
درسد سنندج گسترش میابد
***وزیر نیرو بدون اقدامی سنندج را ترک کرد.**

در اطلاعیه های قبلی در مورد واژگون شدن تانکر حامل مواد شیمیایی و ابعاد فاجعه بار و خطرناک نشت این مواد در سد قشلاق شهر سنندج به اطلاع رساندیم. جمهوری اسلامی هنوز اطلاعات لازم را در مورد این واقعه به مردم شهر سنندج نمیدهد، لیکن ابعاد بزرگ این مساله و نگرانی جمهوری اسلامی از عکس العمل مردم شهر سنندج جمهوری اسلامی را ابتدا ناچار از ایجاد کمیته بحران مخفی کرد و دیروز نیز ناچار شد که وزیر نیروی خود را روانه شهر سنندج کند.

طبق اخبار و اطلاعات رسیده وزیر نیرو از روی دیوار سد قشلاق به دریاچه این سد نگاهی انداخته و گفته است که "لازم نیست آب سد را خالی کنند". وزیر نیرو نیز مانند دیگر مقامات جمهوری اسلامی هیچ اطلاعی در مورد کمیت و کیفیت این مواد شیمیایی از طریق رسانه های جمهوری اسلامی به اطلاع مردم نرسانده است. و بدون اقدامی محل را ترک کرده است. هنوز نیرویی که برای تحقیق در این مورد در سد قشلاق کار میکنند بسیار ناچیز است، جمهوری اسلامی هیچ امکانات ایمنی ای در اختیار آنان قرار ن داده است و حتی چند غواشی را که بدین منظور به سد قشلاق آورده اند، بدلیل بی امکانی و بخاطر سمی بودن شدید آب جرات داخل شدن به آب را ندارند. هیچ حفاظ و حتی ماسک عادی ای در اختیار کسانی که مشغول بکار هستند نیز قرار ن داده اند. رژیم کاملاً لاقیدانه به این حادثه که زندگی یک شهر یک میلیون نفری را تهدید میکند، برخورد میکند و تلاش میکند که این واقعه را رویدادی جزئی و معمولی نشان دهد. در حالیکه یک تانکر حاوی مواد شیمیایی خطرناک به درون آب

این سد که آب آشامیدنی مردم شهر سنندج و روستاهای اطراف را تامین میکند، نشت کرده است و اگر سریعاً کاری در این مورد صورت نگیرد، اثرات مخرب آن بر مردم این شهر و مردمی که در اطراف این سد زندگی میکنند تا مدتها میتواند ادامه داشته باشد. نگرانی مردم هر روز تشدید میشود، مردم بشدت از سکوت و لاقیدی جمهوری اسلامی و از اینکه جمهوری اسلامی اطلاعات واقعی در مورد این ماده شیمیایی و خطرات ناشی از آن را در اختیار مردم قرار نمی دهد عصبانی و معترضند. جدا از شهر یک میلیون سنندج، خطر ناشی از این مواد شیمیایی مردم حدود ۲۰۰ روستا را نیز که از آب این سد استفاده میکنند تهدید میکند. مزارع این روستاها و محصولات آنها در خطر آلوده شدن به این ماده شیمیایی قرار دارند. هنوز روشن نیست که مردم شهر سنندج و روستاهای اطراف آن چه مقدار از آب آلوده به این مواد شیمیایی را مصرف کرده اند و چه مقدار از مزارع و محصولات این روستاها با سموم ناشی از این مواد شیمیایی آلوده شده اند.

مردم مبارز شهر و روستاهای سنندج!

از جمهوری اسلامی انتظاری نباید داشت، این رژیم دشمنی خود را با زندگی و جان اکثریت مردم ایران بارها نشان داده است. تنها اعتراض قدرتمند شما میتواند حکومت اسلامی را وادار به پیگیری خواسته هایتان بکند. تظاهرات و تجمع اعتراضی و تحصن بزرگ برپا کنید. نمایندگان مستقیم خود را انتخاب کنید تا مطالباتتان را پیگیری کرده و در مراحل مختلف نظارت بر اقدامات جهت رفع این خطر حضور داشته باشند. برای تجات جان خود و فرزندانان مطالبات روشن زیر را بر جمهوری اسلامی تحمیل کنید.

۱- بکارگرفتن امکانات موثر موجود در ایران و بکارگرفتن امکانات پیشرفته موجود در سطح بین المللی برای جلوگیری از گسترش عوارض خطرناک این واقعه.

۲- اطلاع رسانی دقیق و کامل و مستمر به مردم و به افکار

عمومی ایران و بین المللی و ارائه راه حلهای لازم برای جلوگیری از تلفات احتمالی. تامین امکانات پزشکی مکفی و با استانداردهای بالا و رایگان جهت مقابله با بیماریهای احتمالی.

۳- اعزام هیئت تحقیق بین المللی و تامین حضور کارشناسان بین المللی در مراحل مختلف خطرزدایی و مقابله با عوارض این واقعه.

حزب کمونیست کارگری خود را در نگرانی مردم شهر و روستاهای سنندج سهیم میداند از مردم ایران میخواهد از مطالبه و اعتراض مردم سنندج حمایت کند. ما به سهم توجه مراجع بین المللی را برای اعزام فوری هیئت تحقیق به سنندج جلب میکنیم. حزب مرتباً نهادها و افکار عمومی بین المللی را در جریان مآووقع قرار خواهد داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ اسفند ماه ۸۱
۱۶ مارس ۲۰۰۳

جنگ آمریکا علیه عراق، پیامدهای آن...

(از صفحه ۴)

است، رابطه مردم کردستان با دولت مرکزی، هم سطح مردم ترکمن و یا مذهبی ها نیست. جنگ دوم حل مساله کردستان را بیش از هر دوره دیگری به منافع دولت ترکیه گره زده است، همانطوریکه مساله فلسطین را به اسرائیل.

با اینحال در این جنگ در مقایسه با جنگ سال ۹۱، نیروی وسیعی از جهان متمن به اعتراض برخاسته است، احزاب عشایر کرد و دنبالچه های شبه کنترای آنها، در جنگ پیشاروی بوش و بلر علیه مردم منطقه، مستقیماً و با بی شرمی تمام در برابر جهان متمن قرار گرفتند و چون عوامل مزدور جنگی کثیف، با وقاحت و توحش عشایر نامتمن، برای حفظ اردوگاه داری خود، بشریت را به ریشخند گرفتند. مبارزه مردم جهان و جنبش ضدجنگ علیه میلیتاریسم بوش، باید بتواند به حاکمیت این کنترهای نظم نوینی و سلطه نیروهای سناریو سیاه پنتاگون و سیا بر سرنوشت مردم کردستان عراق نقطه پایانی بگذارد. □

از کشتار مردم عراق، از بمباران خانه و مدارس، بیمارستان و ویران کردن زیر بنای اقتصاد باقی مانده و ویران این کشور خوشحالند. اگر در جنگ اول بنام منطقه امن، خواست حق تعیین سرنوشت و استقلال کردستان عراق را نادیده گرفتند، در جنگ دوم بنام فدرالی کردن کشور عراق، ستم ملی بر مردم را ماندگار و ابدی کرده اند، جنگ قومی و مذهبی را پایه گذاشته اند. فدرالی خواندن عراق به معنای هم سطح و مساوی قرار دادن حقوق، کردها، عربها، مذهبی ها و ترکمن ها در حکومت فدای عراق نیست. چنین تصویری بسیار خام اندیشانه و سطحی است. تشکیل این دولت فدرال بسیار بعید است. در صورتی که با این ترکیبی که نام برده اند چنین دولتی تشکیل شود، به معنی نهادینه کردن اختلافاتی مذهبی و ملی و بر پا کردن جنگ بین آنها است. جمع کردن این ترکیب متضاد بخاطر نادیده گرفتن مساله کرد

و نظارت نمایندگان مستقیم مردم بر اجرای این مطالبات است.

مردم مبارز ایران

خطر یک فاجعه انسانی بزرگ مردم شهر سنندج را تهدید میکند. جمهوری اسلامی مستقیماً

مسئول این حادثه است. مردم سنندج چشم انتظار حمایت و همبستگی شما مردم در سراسر ایران هستند. تنها مبارزه شما مردم میتواند اقداماتی را بر جمهوری اسلامی تحمیل کند که با مصائب و عواقب زیانبار این فاجعه، مقابله کند. همگام با مردم سنندج اعتراض گسترده ای را علیه جمهوری اسلامی سازمان دهیم.

حزب کمونیست کارگری سهیم در این مبارزه، در داخل و خارج کشور برای تقویت این جنبش اعتراضی و مقابله با پیامدهای این فاجعه از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ اسفند ۱۳۸۱
۱۵ مارس ۲۰۰۳

بزرگ، با سازماندهی تحصن و هر اقدام دیگر لازمست جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داد تا به مطالبات بر حق زیر کردن بگذارد:

۱- بکار گرفتن امکانات موثر موجود در ایران و امکانات پیشرفته بین المللی برای جلوگیری از گسترش عوارض خطرناک این واقعه.

۲- اطلاع رسانی دقیق و کامل و مستمر به مردم و به افکار عمومی در ایران و در سطح بین المللی و ارائه راه حلهای لازم برای جلوگیری از تلفات احتمالی. تامین ابزارها و امکانات لازم مورد نیاز مردم. تامین امکانات پزشکی مکفی با استانداردها بالا و رایگان جهت مقابله با بیماریهای احتمالی.

۳- اعزام هیئت تحقیق بین المللی و تامین حضور کارشناسان بین المللی در مراحل مختلف خطر زدایی و مقابله با عوارض این واقعه. ضامن تحقق این خواسته ها و مطالبات به میدان آمدن صف نیرومند حرکت اعتراضی مردم

به مردم سنندج

(از صفحه اول)

نشدن ارزشی برای جان و حیات جمعیتی در حدود یک میلیون نفر در سنندج و حومه بوده، از طرف دیگر نشانه ترس و نگرانی عمیق آنها از فوران کردن اعتراض گسترده شما مردم است. این نیروی اعتراض خود را علیه جمهوری اسلامی و مسببین این واقعه باید بکار گیریم.

اجازه ندهیم بیش از این جمهوری اسلامی و دست اندرکاران آن با توجیه و طفره رفتن و مسکوت گذاشتن عواقب این رویداد با حیات و زندگی ما مردم بازی کنند. بیدرنگ بیم و نگرانیهای کنونی را که در تجمعات پراکنده ابراز میشود، به اعتراضی آگاهانه با مطالبات روشن و به جنبشی گسترده برای مقابله با عوارض این فاجعه تبدیل کنیم. به خیابانها بیاییم، مجامع عمومی و شورا ها و نهادهای مردمی خود را سازمان دهیم. نمایندگان مستقیم خود را انتخاب کرده تا بر همه امور مربوط به این واقعه نظارت کنند و مردم را در جریان قرار دهند. به هر شکل ممکن با راهپیمایی و متینگ

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جنگ آمریکا علیه عراق پیامدهای آن و مساله کرد



مجید حسینی

هنوز جامعه بشری و بخصوص مردم در عراق از زیر بار مصائب جنگ سال ۹۱ آمریکا و متحدینش پشت راست نکرده اند، که بار دیگر آمریکا و انگلیس می خواهند جنگی به مراتب بزرگتر و وحشتناکتر از جنگ خلیج را شروع کنند و توحش و بربریت خود را به جامعه بشری تحمیل نمایند. سایه شوم تهدید و قلدرمنشی نظامی آمریکا جهان را فرا گرفته است. اعلام کرده اند بزودی حمله خواهیم کرد، زمان حمله از ماه و هفته به روز و ساعت رسیده است. بدون شک عوارض این جنگ، سر آغاز تحولاتی جدی در منطقه خاورمیانه، غرب و دنیای امروز است. "تابودی سلاحهای کشتار جمعی"، "سریچی صدام از اجرای قطعنامه های سازمان ملل"، "بر کناری صدام دیکتاتور" و حتی تلاش برای تسلط بر چاههای نفت عراق، بهانه و دلایل حاشیه ای و کم اهمیتی برای آمریکا در این ماجرا هستند. داستان بر سر تحمیل هژمونی سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا بر دنیا، و در درجه اول تحمیل این هژمونی بر خود کشورهای غربی است. بسیاری از دولتها و رسانه های غربی به عمد می کوشند مسئله را محدود به نفت عراق (طلای سیاه) بنمایند. تسخیر چاههای نفتی عراق، و تبدیل کردن این منطقه استراتژیک مهم دنیا به پایگاه نظامی آمریکا، تنها در راستای رسیدن آمریکا به نظم نوین جهانی بعد از پایان دوره جنگ سرد معنی و جایگاه پیدا می کند.

جلسات سازمان ملل بر سر این جنگ، اخبار کشمکش آشکار آمریکا و متحدینش در مقابل فرانسه، آلمان، روسیه و چین، به موازات اقدامات و تدارک جنگی

آمریکا، در راس رسانه های جهان قرار گرفته است. تقابل قدرتهای بزرگ اولین نشانه های حرکت علنی آنها برای شکل دادن به قطب بندیهای امپریالیستی بعد از فروپاشی دیوار برلین است. همین اندازه از زور آزمایی و رودرویی آنها، معرف مرکز ثقل و سرچشمه اصلی بحران، جنگ و نابسامانیهای جهان امروز است. در این میان مردم در عراق کشتار می شوند، جامعه ای را به ویرانه تبدیل می کنند، تا راه تعرض به ارزشهای انسانی را در ابعاد جهانی آن هموارتر کنند. ماموریت بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل و کل آن بهانه هایی که قرار بود دمکراسی غربی را با آن ترتیب نمایند و به جهان قالب کنند، الان موضوع نزاع و به بیان دیپلماتیک اختلافات بین کشورهای موافق و مخالف جنگ تبدیل شده است. اوضاع به جایی رسیده که خبری از ادعای نجات مردم عراق، استقرار "دمکراسی" و حکومت دموکراتیک در عراق از طرف آمریکا و عوام فریبی هایی از این نوع نیست، اهداف این جنگ و زورگویی آمریکا با تمام زمختی و کراهت آن جلو چشم دنیا قرار گرفته است.

به نسبت سال ۹۱ دوران جنگ خلیج و حتی دوره ۱۱ سپتامبر جهان تغییرات زیادی کرده است. در این رابطه دو فاکتور محوری تراند. اول: شکافی که در بین کشورهای غربی بوجود آمده است، محدود به این کشورها نخواهد ماند و گسترش می یابد، دامنه این شکافها به دیگر دولتها در چهار گوشه جهان سرایت خواهد کرد و با شروع جنگ و بعد از خاتمه آن، این روند در همه ابعاد آن ادامه خواهد یافت و اثراتی جدی بر زندگی مردم و سیمای سیاسی، فرهنگی و احتمالا جغرافیایی جهان بر جایی می گذارد. شاهد دور دیگری از ظهور ایدئولوژها و توجیه گران «جدید» نظام سرمایه خواهیم بود. فاکتور دوم: به میدان آمدن نیروی عظیم مردم آزادخواه و مبارز علیه زورگویی آمریکا و انگلیس است. با وجود ناروشنی ها و ترکیب ناهمگونی که در این جنبش ضد جنگ و میلیتاریسم آمریکا هست، تاکنون توانسته بر مواضع بسیاری از کشورها اثر بگذارد، در فضای سیاسی جهان به نفع مردم تغییر بوجود آورد و اعتماد مردم به خود و نیرویشان را افزایش دهد. این یکی از فاکتورهای امید بخش جهان است، دامنه آن محدود به این جنگ نخواهد شد، با

شروع این جنگ و بعد از آن ادامه خواهد یافت، با دخالت نیروهای کمونیست و آگاه رادیکالتر میشود و تعمیق سیاسی بیشتری می یابد. آن نیروهای سیاسی که با این حرکت عظیم جهانی همراهی نکرده و به هر بهانه ای به صف مردم آزادخواه و معترض به این جنگ پشت کردند، جایگاه و ماهیت ضد انسانی شان بر ملا شد. جنبش ضد جنگ، جنبشی عادلانه و جهانی است، سنگ محکی است در این دوره. بدنبال این نکات عمومی و فشرده در رابطه با این جنگ به چگونگی مساله کرد وضعیت مردم در کردستان، از جنگ خلیج تا جنگ فعلی آمریکا با عراق می رسیم.

مساله کرد از جنگ اول تا آستانه جنگ دوم آمریکا

بعد از معضل فلسطین، مساله کرد، یکی از مسائل ملی حل نشده و پیچیده در جهان امروز است. جنگ خلیج در سال ۹۱ و بدنبال آن شروع حاکمیت ۱۲ ساله احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق، نه تنها مساله کرد را در آن جا حل نکرد و مشکلی از آن را کم نمود بلکه بر مشکلاتش افزود. اکنون امید و دورنمای مردم در کردستان در راه دستیابی به حق تعیین سرنوشت خود و رفع ستم ملی بیش از هر زمانی تاریک و غیر دست نیافتنی تر بنظر میرسد.

از جنگ سال ۹۱ تا جنگ دوم آمریکا که قرار است بزودی شروع شود، بیش از دوازده سال می گذرد، طی این مدت در کردستان عراق خبری از کارکرد و مکانیسمهای معمولی جوامع امروز موجود نبوده و اداره این منطقه در تمام وجوه اش ربط و شباهتی به نرمهای جاری و معمولی جوامع موجود در دنیا نداشته است. روندهای دخیل در اداره کردستان، در زمینه های سیاسی، اقتصادی، حقوقی، قضایی و فرهنگی آن در انطباق با اداره اردوگاهی بزرگ بنام کردستان عراق، و نه یک جامعه متعارف، حال اگر با مناسبات عقب مانده و ارتجاعی هم باشد، منطبق نبوده است. ایجاد منطقه امن توسط آمریکا مساوی بود با تبدیل این منطقه به یک اردوگاه آوارگان. نتیجه عملی این سیاست آمریکا در اولین روز بعد از پایان جنگ خلیج، زیر پا نهادن حق مردم در انتخاب نوع زندگی خود بود، خط بطلان آمریکایی بود بر

خواست تشکیل کشور مستقل و رفع ستم ملی بر مردم کردستان عراق. اعلام منطقه امن، رسمیت دادن به سرگردانی این جامعه و تعیین نقش و وظیفه جلال طالبانی و مسعود بارزانی و دارودسته هایشان در نقش اداره کنندگان این اردوگاه تا اطلاع ثانوی بود. احزاب ناسیونالیست کرد پاسدار و توجیه گر این سیاست آمریکا در کردستان بودند. به درازای این دوازده سال، به اندازه ای که ادعا کردند «دولت» اند، «حکومت» هه ریم اند، جرم خود را در قالب کردن این دروغ و ریاکاری بزرگ در برابر مردم سنگین تر کرده اند. سردمداران احزاب ناسیونالیست کرد عراق مجرم اند و باید تاوان آن همه جنایات و چپاولی را تحت نام «حکومت کردی» انجام داده اند به مردم عراق پس دهند. در اشاعه این عوام فریبی ناسیونالیستی، جبهه وسیعی از کردستان عراق تا به فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس اسلامی و انستیتوی فرهنگی کرد، بهرام ولدبگی پاسدار و کلیه نویسندگان، شاعران و خیل ایدئولوژهای ریزو درشت ناسیونالیست در برابر مردم به کار افتادند. متاسفانه کومه له جدید و دبیر کل آن در دفاع از «دولت نوپا»ی کرد و قرار گرفتن درکنار احزاب کردی، در این جبهه نقشی داشت و وظیفه به عهده گرفت.

بالتکلیفی کردستان عراق از نظر حقوقی و کشوری در این ۱۲ سال، یکی از نتایج جنگ خلیج و یکی از علل اصلی تلاطم های سیاسی و تمام آن تراژدیهای است که طی این مدت بر این مردم و زندگی شان رفت. حال لحظه ای به فضای سال ۹۱ فکر کنید، چگونه جلال طالبانی و مسعود بارزانی به همراه کل جنبش ناسیونالیسم کرد در دیگر بخشهای کردستان، ایجاد منطقه امن را بعنوان دستاوردی در میان مردم جار زدند، از کشتار مردم عراق استقبال کردند، هلله و شادی در مدح «حاجی بوش» به راه انداختند.

جنگ خلیج و توهامات ناسیونالیستی، اتحادیه میهنی و پارتی را در موقعیت حاکمان کردستان عراق قرار داد. این دو حزب سرچشمه و بانی بسیاری از مصائب و مشکلات مردم اند و دومین عامل و مانع اصلی مردم در راه رسیدن آنها به حق

خود و زندگی بهتر میباشند. هیچگاه این دو حزب به مردم و مبارزات آنها متکی نبوده و هر نوع مبارزات آزادخواهانه و حرکت مردمی را به شدت سرکوب کرده اند. تحمل نیروهای اسلامی، ترور، سربریدن و لت و پار کردن افراد خودشان به دست آنها از تحمل تبلیغ سیاسی یک فرد کمونیست مخالف برایشان آسانتر است. این دو حزب فرهنگ مردسالار و ضد زن را تقویت کردند، کشتار و ترور زنان را رواج دادند، مخالفین سیاسی را سر به نیست کردند، از غارت دسترنج مردم و ثروت آن جامعه، ثروتهای افسانه ای بهم زدند. مزدوران طالبانی به توصیه جمهوری اسلامی به حزب کمونیست کارگری عراق یورش برده و جنایت کردند. در سایه این احزاب تروریستهای جمهوری اسلامی در شهرهای کردستان عراق مراکز خود را دایر کرده و بیش از ۵۰۰ نفر از فعالین سیاسی و پناهنده ترور کردند. این دو حزب نه تنها راه فعالیت اطلاعاتی و تروریستی ایران و عراق در منطقه هموار کردند، جلودار ارتش این دو کشور به سرتاسر مناطقی بودند که زیرتسلط شان بود. ایران و ترکیه، اسلامیهها و ترکمن های وابسته به خود را سازمان مبادا دارودسته زحمتکشان مهتدی را از جنس خود اما راست تر، با پول و فشار اسلحه بوجود آورد. جنگ بین این دو حزب و غارت اموال هواداران طرفین، زندانی و اعدام، و تقسیم مناطق از دیگر «دستاوردهای» آنها است. «حکومت» کردی این دو حزب، چنان مصائب، رنج و محنتی را بر زندگی مردم در کردستان عراق تحمیل کرد که ابعاد فاجعه آمیز آن قابل مقایسه با هیچ دوره دیگری در تاریخ زندگی و مبارزه این مردم نیست. این دوره از حیات اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق، از محصولات جنگ بود. خود این احزاب همین دوره را دستاورد به حساب می آورند، چون خودشان بطور واقعی خودمختار بوده و چیزی کم نیآورده اند.

در حمله مجدد آمریکا به عراق، مردم این کشور قربانیان دو باره و مستقیم این جنگ هستند. باز هم احزاب ناسیونالیستی کرد گوش به فرمان آمریکاهستند،